



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۲/۱۸

دکتر محمد ظاهر عزیز

همه مردم افغانستان دارای شخصیت و حقوق مساوی هستند



شعار هایی چون حقوق و شخصیت مساوی انسان ها، آزادی و وحدت در تنوع در همه سطوح عالی دولت های دیموکراتیک، انجمن های حقوق بشری و جوامع مدنی که به ذات انسانی و انسانیت و شخصیت انسانی باور داشته باشند، در همه حالات و اجرای امور دولرداری و معاملات شخصی انسان با انسان مراعات و حرمت می گردند زیرا باور کنندگان چنین شعار ها می دانند که با قبول این نوع عقیدت که در ذات شخصیت همه انسان ها بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان، حالت فیزیکی انسان ها و مذهب، نهفته است، به شخصیت خود شان نیز احترام می گذارند.

کسانی که به فضایل شعار های فوق عقیدت ندارند و یا علیه آنها عمل می نمایند، مرتکب خیانت به فضایل انسانیت می گردند و دارای شخصیت انسانی نهایت ضعیف می باشند.

من مطالب ذیل را از جهتی تکراراً به هموطنان به عرض می رسانم که می خواهم با زبان جدی و با نوک قلم، عقیدت، گفتار و کردار یکی از مشاوران جناب رئیس جمهور را که به تاریخ ششم دسامبر ۲۰۱۹م در طی محفلی که در شهر کلن آلمان دایر گردیده بود، ضمن بیانیه ای به شخصیت یکی از اقوام شریف افغانستان مذبحانه تجاوز نموده است، با قوت کامل تقبیح نمایم و به این صورت، عقیدت و کردار او را جرم دانسته و بر خلاف منافع علیای کشور ما اعلان می نمایم.

این نوع طرز دید، گفتار، کردار و عملکرد، که از احساسات غلط نژادی، زبانی و تفوق جویی با اعتبار قوم و زبان سرچشمه می گیرد و مسائل نژادی و زبانی را در کشوری که مردم آن دارای خوبی های نژادی، غناوت و زیبایی های فرهنگی متنوع هستند، به روش تحریک آمیز و نادرست به میان می آورد که از لحاظ علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دینی غلط بوده و با ارتباط حالت زار فعلی افغانستان عزیز، به نفع کشور و مردم وطن ما نیست. عملکرد و کردار اشخاصی مانند این مشاور جناب رئیس جمهور، مانند شمشیر برانی است که تیز کرده به دست آن دشمنان مردم افغانستان میدهد که در تلاش جدایی مردم افغانستان و پارچه، پارچه ساختن این خاک شریف هستند.

آنچه را که من درک کرده ام این است که آن شخص، مرد کم فرهنگ، دارای شخصیت اندک انسانی و بی دانش است زیرا در جهان امروز، کشور هایی که مانند کشور ما صاحب تنوع فرهنگی هستند و اهمیت آنرا درک می نمایند، در سطوح عالی دولتی آن کشور ها از مزایای تنوع فرهنگی در کشور شان، در ارتقای دیموکراسی، وحدت، همدلی، نیک بینی و تفاهم میان مردمان آن کشور ها استفاده می نمایند. ضمناً باید بگویم که تفوق جویی بر حسب نژاد، زبان، قوم، جنس، رنگ و پوست اسباب جنگ ها، خون ریزی ها و تباهی اکثر بازیگران چنین عقیدت منحوس را در تاریخ دور و نزدیک بشریت به بار آورده است. چنین گفتار، کردار و عمل به ذات خود تفکر و عمل غیر انسانی و خورد صفتی محسوب میگردد و لازم است از طرف همه افغانهای

صاحب دانش و صاحب شخصیت به هر قوم ایکه رابطه داشته باشند، تقبیح گردد. بهترین مثال و درس عبرت را با ارتباط چنین افکار و اعمال غیر انسانی، در سال هایی نه چندان دور کشور خود ما، به آن شخص، پیروان و حمایت گران او می دهم. من هیچ گاهی منکر تفاوت های زبانی، نژادی، قومی، مذهبی، دینی و فرهنگی محلی در افغانستان نیستم زیرا در محل زیبای کشور خود متولد شده ام که مردم آن ولایت در حد اقل متشکل از سه قوم هستند اما در طول قرن ها با شرافت و عزت در پهلوی همدیگر زندگی نموده اند و هیچ یک از انسان های آن ولایت، شرافت انسانی بهتر و یا حقوق بیشتر از دیگران ندارد. ضمناً برنامه انواع مختلف تحقیقات علمی را به منظور شناخت مزایای تنوع فرهنگی در افغانستان و زیبایی هایی که در میان فرهنگ های محلی کشور ما موجود است پیشنهاد می نمایم و چنین تحقیقات علمی را حتمی و ضروری می دانم. مشروط بر این که ما با صداقت ضمیر در پی حفظ شخصیت انسانی همه اتباع افغانستان و حفظ وحدت جغرافیایی افغانستان امروز، حفظ هویت فرهنگی و وحدت مردم افغانستان در شناخت بزرگی تنوع فرهنگی در کشور خود باشیم. علاوه، باید با صداقت و بر مبنای ارزشهای اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، تمامی حقوق هریک از اتباع افغانستان را بدون در نظر داشت تفاوت های زبانی، قومی، سمتی، جنسی، مذهبی بشناسیم و در مساوات مطلق، حرمتگزاری مساویانه به شخصیت انسانی همه اتباع افغانستان و وحدت در تنوع، ما و فرزندان ما زندگی نماییم.

با چشم های خود می بینیم، با گوش ها می شنویم و اگر سواد داشته باشیم، می خوانیم که دشمنان افغانستان از اینطرف و آنطرف و به صورت جدی و متداوم با پلانهای سنجیده شده در پی جدایی و تفرقه جویی میان افغان ها و اقوام افغانستان هستند و با اعمال شوم، غیر انسانی و غیر اسلامی، مردم وطن خاصاً اطفال و زنان افغان را می کشند. من می گویم که اگر ما در این مقطع زمان و دور تاریخ وطن خود هوشیار نباشیم، یکی ما نه بلکه همه ما بیچاره، نابود و ذلیل خواهیم شد.

با ارتباط مباحث فوق، من موضوعات و مسائل ذیل را در بحث می گیرم و نظریاتم را به صفت افغانی که حفظ نام افغانستان، تمامیت ارضی افغانستان، حرمت به شخصیت انسانی و فرهنگی همه مردم افغانستان را ضروری و لازم می داند، ارائه می نمایم. ضمناً تکراراً می نویسم که حرمت به حقوق مساوی همه اتباع افغانستان با حفظ هویت فرهنگی و شخصیت انسانی مردم وطن در قالب تنوع فرهنگی مردم کشور ما که از شایستگی های بزرگ کشور ما است، برای بقای افغانستان، دیموکراسی و حیات صلح آمیز برای همه از شرایط اصلی زندگی باهمی در وطن مشترک ضروری و حتمی است. این مسایل عبارت اند از:

- مراجعه به اکثریت و اقلیت های نژادی، قومی و زبانی به منظور بهره گیری سیاسی و تفوق جویی:
- تنوع فرهنگی مردم افغانستان:

اول : مراجعه به اکثریت و اقلیت های نژادی، قومی، زبانی و دینی به منظور بهره گیری سیاسی و تفوق جویی: من این موضوع را در موقع بحث تنوع فرهنگی مردم افغانستان نیز ذکر می نمایم اما، در اینجا توجه وطنداران محترم را به مطالب زیر جلب میکنم.

۱. ما خوب میدانیم که بیش از نود و هشت فیصد مردم افغانستان به دین مبین اسلام عقیدت محکم دارند و ارزش های اسلامی را برای حفظ و بقای حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی لازم و ضروری می دانند. دین مبین اسلام و تعلیمات اسلامی، آن محاسن دروغین را که گروهی با ارتباط ممنوع خود برای خود ساخته اند و خود را با وابستگی به نژاد، جنس و یا اکثریت قومی و یا زبانی از دیگران برتر و یا دارای حقوق بیشتر می دانند و در این را کوشش می نمایند، باطل می شمارد. دین اسلام برتری انسان را با ارتباط نژاد، قوم، زبان، و یا جنس او، ناجایز دانسته، رد میکند. در اسلام نیک خصلتی، پرهیزگاری، ایمان و عمل صالح مقام بس بزرگ و شایسته دارد.

اسلام ملاک و معیار برتری را برکمال و فضیلت و تقوا می شمارد نه برحسب جنسیت، قوم، نسب، نژاد، زبان یا رنگ. در آیه سیزدهم سوره الحجرات که حکم الهی است مبنی بر برابری انسانها، خداوند (ج) میفرماید (ای مردمان (هرآیین) ما آفریدیم شما را از یک مرد و یک زن و گردانیدیم شما را نژاد ها و قبیله ها تا باهم شناسا شوید، به تحقیق گرامی ترین شما نزد الله

پرهیزگارترین شماسست). این آیه مبارک که از یک طرف برتری انسانها را برحسب نژاد، زبان، قوم و رنگ، باطل حکم میکند و مقام و برتری انسانرا بر پایه تقوا استوار میداند، رهنمای مبارک و کاملی است بمنظور پیاده نمودن اصول و پایه های اجتماعی و دیموکراسی واقعی، در کشورها و جوامع اسلامی، برای پایه گذاری حقوق مساوی همه مردم و هر دو جنس زن و مرد، در تنوع. ۲. حلقات و اشخاصی که شعارهای اکثریت و اقلیت نژادی، قومی و زبانی را به منظور بهره گیری سیاسی و قدرت طلبی به راه می اندازند، اکثراً مکتب رفته اند و از احکام اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر میثاق های معتبر به شمول منشور ملل متحد و میثاق های مهم فرهنگی که افغانستان به آنها ملحق گردیده و اجباراً آنها را مراعات و احترام می نماید، آشنا هستند. مراعات و حرمت به منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان نیز ذکر است. کسانی که به کوشش های تبعیض طلبانه خود در مخالفت مطلق به قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ادامه می دهند، باید مغزها و کله های پوچ خود را باز نمایند که در مراعات به قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (ماده بیست و دوم) " هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است".

اگر ما به ارشهای اسلامی عقیدت داریم و باور داریم که مردم افغانستان وابسته به اقوام مختلف هستند که به زبان های مختلف و با لهجه های زیبا گپ می زنند و در دور تاریخ چه در داخل یک زبان و یا زبان های جداگانه، به اقوام تقسیم شده اند و دارای فرهنگ مشخص محل خود هستند که در مجموع، زیبایی های تنوع فرهنگی را در داخل فرهنگ بزرگ افغانی تشکیل میدهند. باید پرسیده شود که با در نظر داشت مفاد احکام قرآنی، اعلامیه ای جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان، کدام قوم و فرقه مردم افغانستان نجیب تر از قوم و فرقه دیگری است؟ اگر قومی نسبت به قوم دیگر نجیب تر است، کدام قوم و به کدام زبان حرف می زند؟ آیا زبان شان نجیب تر نسبت به زبان دیگری است؟

من می گویم که همه مردم امروز افغانستان بدون در نظر داشت زبان، قوم، فرهنگ محلی، مذهب و جنس، نجیب هستند و شایستگی هر نوع حرمت را دارند و در مساوات مطلق با دیگران، بودند، هستند، و خواهند بود. هیچ کس بنابر ملاحظات و تعلقات قومی، زبانی، نژادی، مذهبی و یا جنس نسبت به شخص دیگری نجات خاص ندارد، چون که داشتن عقیدت تفوق جویی بر حسب مظاهر قومی، زبانی و یا جنسی خلاف حکم خداوند است و در مدنیت امروز انسان ها بی ارزش است.

دوم: تنوع فرهنگی مردم افغانستان:

مردم افغانستان، مانند سایر جوامع انسان ها حق دارند که در زندگی فرهنگی (فرهنگ به معنی کلی آن) اجتماع خود آزادانه شرکت نمایند، از مزایای فرهنگی بهره مند گردند و در پیشرفتهای علمی و فایده های ناشی از آن سهمی شوند. ضمناً مردم افغانستان حق دارند درحالی که در برنامه های انکشافی کشورشان سهم میگیرند، در نگهداری ارزشهای فرهنگی خود نیز تأکید نمایند. علاوه، توجه به تفاوت های فرهنگی در کشور ما، احترام و پذیرفتن آن، استفاده از تفاوت های فرهنگی برای توسعه اقتصادی، اعتدالی دیموکراسی و حرمت به حقوق فرهنگی کافه مردم افغانستان، مسأله مهم و حیاتی است. در جهانی که زندگی داریم، باید بدانیم که شرط ضروری پیشرفت اقتصادی، توسعه و باز سازی در رسیدن به ثروت بیشتر و توزیع عادلانه ثروت، احترام به فرهنگ های یکدیگر، در درون جامعه ما و همچنان آموزش حرمت گذاشتن به فرهنگ های دیگر مردم جهان است.

احترام متقابل تحقق نخواهد یافت مگر آنکه هریک از افراد جامعه ما، چه مرد و چه زن، امکان آنها داشته باشند که بر اساس تاریخ، آداب و رسوم خود به شکوفایی فرهنگی واقعی نایل شود. برای تحقق این مدینه فاضله، پذیرفتن دوش شرط اساسی لازم است: الف: هر افغان باید بتواند بدون هیچگونه احساس گناه و بدون ترس از ممنوعیت های عنعنوی غیر معقول که ارزش انسانی و اسلامی ندارند، باور کند و افتخار نماید که به مکان و فرهنگ خاص تعلق دارد. تحکیم شأن و منزلت انسانی هر فرد افغان، هر قدر هم که با دیگران متفاوت باشد مستلزم آن است که از طرف دیگران پذیرفته شده مورد احترام باشد. یعنی تمامی فرهنگ ها و شکل های بیان محترم شناخته شوند. تفاوت های جنسی (زن و مرد)، شکل، نژاد، زبان، لباس، روش زندگی و دیگر تنوع فرهنگی از شایستگی نیک و پربار هر جامعه انسانی و جامعه افغانستان است.

ب: در صورت پذیرفتن اصل احترام به داشتن حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی در کشورما، همه افراد جامعه ما بهره مندی از فرهنگی که هویت خود را در آن می جویند و همچنان از فرهنگ ملی و تقدیر و تجلیل از آنها را خواهند داشت. این نوع طرز تفکر و دید ضامن پیشرفت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دیموکراسی ملی خواهد بود. در این صورت است که هیچ نوع تبعیض و تحقیر اجتماعی بر فرهنگ ما، نه در سطح محلات و نه در سطح کشور، اعمال نخواهد شد و ارتباط دو طرفه و شایسته و در خور انسان ها بین افراد جامعه ما، بر قرار و تقویت خواهد شد. ضمناً برای مردم افغانستان فهم و دانشی میسر خواهد شد مبنی بر این که ما مانند سایر جوامع جهانی هم تنوع فرهنگی صاحب قدر داریم و هم در دفاع هویت فرهنگی ملی باید همکار، هم نظر و همدست هستیم و مانند دیگر جوامع بشری در تکمیل و اعتلای شخصیت انسانی با آنها جد و جهد نموده، شریک میباشیم. **کشورهای چند فرهنگی و چند قومی، از آنجمله افغانستان، تکیه گاه اصلی و واقعی همبستگی اجتماعی دیموکراتیک هستند.**

در مقدمه میثاق حفظ و توسعه تنوع بیان های فرهنگی سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) تنوع فرهنگی را خصوصیت متمایز جامعه بشری حساب نموده به آن مقام مهمی از ارزشهای انسانی، قابل میگردد.

آیا گفته میتوانیم که کردارها، طرز تفکر و روش حیات در همه کشورها، در همه جوامع و در همه شهرها و قریه ها یکسان هستند؟ آیا حق داریم بگویم که خوبی ها، ارزشها، خوردنی ها و طرز حیات یک جامعه بر جامعه دیگر در عین کشور و یا بیرون از کشور بهتر هستند؟

آیا میتوانیم ثابت کنیم که نژادی بر نژاد دیگری از لحاظ صورت و یا شکل فیزیکی، عقلانی و زبانی برتری دارد؟
آیا لباس ها و خانه های مردم در یک کشور یکسان هستند و یا اینکه تفاوت دارند و نظر به ضرورت محیط و حاصلات محل که دانش ساختن و پوشیدن آن در طول قرن ها از طرف مردم آن محل کسب گردیده، ظاهر شده اند؟ شاید خیلی تعجب آور نباشد که در تاریخ مراودات انسانی، اکثر گروه های قومی و یا نژادی بیش از آنکه تحت تأثیر شباهت های خود با دیگران قرار گیرند، متوجه تفاوت های خود با آن ها شده اند و به این عقیده بودند که اگر دیگران با ما تفاوت دارند، پس آنها قاعدتاً دون مرتبه از ما هستند. این نوع طرز دید نه ارزش معنوی دارد و نه اهمیت انسانی. آنچه اهمیت دارد و درست هم است اینست که گروه های قومی و نژادی از هم متفاوت اند اما از نظر مقام انسانی با هم برابر هستند، لذا حقوق مساوی دارند. دانشمندان انسان دوست می گویند: "گاهی باید عینک فرهنگی خود را برداریم، تا بتوانیم شیوه های زندگی و تفاوت شکل و صورت مردم و اقوام مختلف را عاری از تعصب مشاهده کنیم."

با آنکه کسب اطلاعات بر دیگران، گاهی به دید دوستانه از مردم دیگر منجر نمی شود، ولی بهتر است روابط خود با سایر مردم را بجای جهل بر دانش استوار کنیم. آنچه لازم است اینست که در ارائه معلومات بر دیگران باید تأکید بیشتر بر انسانیت مشترک همه ملت ها در جهان و همه اقوام در کشور ما گردد.

به استناد تاریخ، افغانستان کشور صاحب فرهنگ و دارای تنوع فرهنگی و ارزشهای معنوی عظیمی است که در یک دور تاریخ منتهی نمی گردند. ضمناً تنوع و تفاوت های فرهنگی مردم افغانستان که از آنها باید خوشنود باشیم، یکی از ارزش ها و اصل های بزرگی است که در وحدت ملی همبستگی اجتماعی، شناخت هویت ملی افغانی و پیاده نمودن روشهای دیموکراتیک و توسعه اقتصادی نقش اصلی و اساسی دارند.

کشورما تاریخ چند هزار ساله دارد که در این مدت دستخوش خوبی های فرهنگی و بدی ها قرار گرفته است. در ادوار مختلف تاریخ کشور ما فرهنگ های شایسته در این سرزمین پیدا شده و ضمناً با در نظر داشت موقعیت جغرافیایی آن یا این که فرهنگ های مردم و جهان دیگر که سابقاً زاده مردم افغانستان نبودند به افغانستان انتقال نموده اند و در این سرزمین بدرجه عالی فرهنگی ارتقا نموده اند و یا این که در هنگام تهاجمات متعدد، فرهنگ های مردمان بیرون توسط مهاجمین به افغانستان انتقال نموده اند، گاهی جانشین فرهنگ های محلی گردیده و اکثراً با فرهنگهای محلی یکجا گردیده، فرهنگ تازه ای بوجود آمده است.

این نوشته متضمن این مطلب است که مردم افغانستان متشکل از اقوام متعددی هستند که در طول تاریخ یا بصورت دائم در این کشور مستقر بوده اند و یا این که از کشورها و محلات بیرون مرزی امروز افغانستان به این سرزمین مهاجرت نموده و امروز مردم شایسته، دارای تنوع فرهنگی محلی با همه شایستگی ها، خصوصیات متمایز جامعه افغانستان را تشکیل داده اند. چونکه تنوع فرهنگی میراث مشترک همه افغانهاست، باید برای حفظ منافع عمومی بآن احترام گذاشت و از تعدد و تنوع فرهنگی مردم افغانستان در بزرگی فرهنگی، همبستگی اجتماعی و اساسات دیموکراسی واقعی بر مبنای احترام بهمه، استفاده نمود. تنوع فرهنگی در افغانستان، با ایجاد دنیای نو، متحرک و در حال تحول سریع و متنوع، دامنه اختیارات و امیدها را گسترش می دهد و ظرفیت های انسانی و ارزش های مردم افغانستان را تقویت می کند و به همین دلیل در صورت استفاده معقول و با فضیلت با ارائه برنامه های علمی و فرهنگی سرچشمه رشد متدوام اجتماعات مردم افغانستان را میسر می سازد. تنوع فرهنگی مردم افغانستان که دارای شایستگی های صاحب قدر انسانی هستند، اسباب تقویت اساسات دیموکراسی، همبستگی ملی و اجتماعی، تحمل و بردباری، عدالت اجتماعی و احترام متقابل بین مردم و اقوام مختلف و محلات افغانستان می شود. برای تقویت صلح و امنیت، حقوق بشر و شناخت و احترام به یک دیگر در سطوح محلی و ملی ضروری بحساب می آید. گفتار نهایی:

فرهنگ بصورت روشن یک عرصه مهم شکوفایی است، قلمروی است که در آن نبوغ خاص یک ملت یا یک فرد، بهترین مجال بروز پیدا می کند، اما مشروط بر آنکه وسیله ای به بازپس نگری به هویت موهومی نباشد و خاطره بی شود، تحرک آمیز به سوی آینده، آینده پر از امید و سرشار و برخوردار از عقل و دانش و ضمناً بطور متداوم، خاطره ای باشد که هر شخص در ارتقاء و تعالی فرهنگی دسترسی و سهم داشته باشد.

اگر تاریخ درد آور سال های نه چندان دور کشور ما درسی برای ما داشته باشد، این درس آن است که باید از تنوع و تفاوت های فرهنگی مردم افغانستان خوشنود باشیم و از آنها درس زندگی در راه برابری، عدالت اجتماعی، همبستگی، دیموکراسی، وحدت نه تنها قبول احترام به دیگران بلکه عمل احترام به همه، بگیریم و بنیان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور خود را مبتنی بر بردباری و سازگاری متقابل افزایش دهیم.

امروز زندگی افغان ها، در هر واحد قومی و فرهنگی ای که قرار دارند، در مقطع زمانی مورد بحث و مطالعه قرار می گیرد که بین حقوق و وجایب شان آنچه در قانون اساسی افغانستان به آنها سپرده شده، باید توازن بر قرار گردد. اما این توازن فقط در صورتی از طرف همگان پذیرفته خواهد شد که برابری همگان را در پی داشته باشد و این به نوبت خود احترام کامل به آزادی و حرمت تمامی فرهنگ های محلی و عنعنه های شان را ایجاب می نماید. کوتاهی در این امر حتماً اسباب مشکلات جدی امنیتی، اجتماعی و اقتصادی را تولید می نماید.

حرمت به روش حیات دیگران و پذیرفتن تنوع فرهنگی و انسانی در کشور ما وسیله و بهانه حذف دیگران نیست، بلکه پیشنهادی برای سهم شدن با دیگران و همبستگی است که حاصل آن اعتلا و ارتقای فرهنگ مشترک مردم افغانستان می باشد و حتماً جامعه افغانستان را بسوی مزایای انسانی رهنمایی می نماید، **مزایای انسانی که از سه اصل صاحب اعتبار، احکام قرآنی، اعلامیه ای جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان، سرچشمه گرفته باشند.**

باید به وضاحت بگویم که مشاور جناب رئیس جمهور که به شخصیت انسانی بخش بزرگی از اقوام افغانستان تجاوز نموده است، بر حسب هر سه اصل فوق محکوم و متجاوز محسوب می گردد.